

## تجربه‌ای در ترجمه شعر در داستانهای کودکان

عبدالله کوثری

فکر می‌کنم یکی از مواردی که ترجمه شعر به شعر ضروری می‌شود، شعرهایی است که در داستانهای کودکان آمده، زیرا وزن و آهنگ و قافیه در این شعرهای اغلب ساده تأثیری عمده بر گوش و ذهن کودک می‌گذارد. من خود یادم هست در اغلب قصه‌هایی که در ایام کودکی می‌شنیدیم اغلب چند باره شعری بود که گاه قصه‌گو آنها را به آواز می‌خواند.

هفت هشت سال پیش فرصتی یافتم تا این کار را برای اولین بار تجربه کنم. دوست مترجم من آقای جمشید نوایی کتاب *قصه‌های برادران گریم* را ترجمه کرده بود و برای ترجمه شعرهای این کتاب از من یاری جست. تعداد شعرها زیاد بود شاید در حدود هفتاد باره شعر می‌شد. برخی از این اشعار چنان بود که در همان نگاه اول وزن و قافیه مناسب آن را می‌یافتم و سرودن دوباره آنها برآستی مشکلی نداشت. برخی دیگر به آسانی تن به وزن و قافیه شعر فارسی نمی‌داد، باید ساعتها صرف آزمودن این وزن و آن قافیه می‌شد تا سرانجام کار درست در بیاید. بدیهی است که تلاش عمده من این بود که تا حد امکان چیزی بر شعر اصلی نیفزایم یا چیزی از آن حذف نکنم. این تلاش در همه موارد با موفقیت قرین نبود. لاجرم تغییراتی نه چندان عمده در برخی شعرها پدید آمد. اما کوشیدم افزوده‌ها در همان حال و هوای متن اصلی باشد و جای کاسته‌ها را نیز با کلمات یا جملاتی درخور متن پر کردم. پس، چنانکه خواهید دید این افزوده‌ها و کاسته‌ها تغییر نمایانی در اصل شعر نداده است. چون این کتاب هنوز منتشر نشده، نمونه‌هایی از این شعرها را در این شماره مترجم می‌خوانید، امیدوارم خوانندگان صاحب نظر مرا از دریافت داوری خود محروم نکنند.

Princess! youngest princess!  
Open the door for me!  
Do you not know what you said to me  
Yesterday by the cool waters of the well?  
Princess, youngest princess!  
Open the door for me!

سازده خانوم کجایی  
این در چرا تو بستی  
دیروز یاده چی گفتی  
وقتی لب چاه نشستی؟

little duck, little duck, dost thou see,  
Hansel and Gretel are waiting for thee?  
There's never a plank, or bridge in sight,  
Take us across on thy back so white.

اردک پاکو تا هم، سفید و سر سیاهم  
ما که اینجا نشستیم، هنسل و گرتل هستیم  
رودخونه سرد و ناره تخته و پل نداره  
گرده خود بلکم کن، غصه مارو کم کن  
بی اخم و بی هیاهو مارو ببر به اون سو

My mother she killed me,  
My father he ate me,  
My sister, little Marlinchen,  
Gathered together all my bones,  
Tied them in a silken handkerchief,  
Laid them beneath the juniper tree,  
Kywitt, kywitt, what a beautiful bird am I!

مرا مادر به داس مرگ بسپرد  
پدر آسوده بنشست و مرا خورد  
چو خواهر یافت منست استخوانم  
به سر بند حریرش شد مکانم  
به زیر آن درختم داد ماوا  
منم زیبا پرندۀ زار و تنها

Alas, Falada, hanging there!  
Alas, young Queen, how ill you fare!  
If this your mother knew,  
Her heart would break in two.

فالادا! افسوس سر بردار داری  
تو هم بانو چه حال زار داری  
اگر مادر ز حالت باخبر بود  
خوراکش روز و شب خون جگر بود

Blow, blow, thou gentle wind, I say,  
Blow Conrad's little hat away,  
And make him chase it here and there,  
Until I have braided all my hair,  
And bound it up again.

بیا باد و بیا باد و بیا باد  
بلزد از سر کلاه سرخ کنراد  
دوانش کن به دشت، این سو و آن سو  
که تا من رشته‌ها باقم ز گیسو.

Bleat, my little goat, bleat,  
Cover the table with something to eat.

بُر بُرکم بع بع کن، نذار که دلگیر بشم  
یه چیزی بذار تو سفره تا بخورم سیر بشم

Bleat, bleat, my little goat, I pray,  
And take the table quite away.

بُر بُرکم بع بع کن، زودی بده جوابم  
سفره رو ببر که سیرم، می‌خوام یه چرت بخوابم.

The mother sits alone  
There in the prison small,  
O King of royal blood,  
These are thy children all.  
The sisters twain so false,  
They wrought the children woe,  
There in the waters deep  
Where the fishermen come and go

به زندان، پشت آن درهای بسته  
پریشان مادری تنها نشسته  
بدان ای پادشاه پادشه‌زاد  
که فرزند توآند این هر سه نوزاد  
دو خواهر هر سه را از خانه بردند  
به آب تیره رودی سپردند.

My little bird, with the necklace red,  
Sings sorrow, sorrow, sorrow,  
He sings that the dove must soon be dead,  
Sings sorrow, sor—jug, jug, jug.

زیبا برنده من، با طوق سرخ رنگین  
می خواند و می خواند آوازهای غمگین  
می خواند او که افسوس شد وقت مرگ کوکو  
غمگین ترین ترانه با ناله‌های هو هو.

عروسی خانم روباهه<sup>۱</sup>

What may you be about, Miss Cat?  
Do you sleep or do you wake?

گریه خانوم در چه کاری؟  
خوابی، بگو، یا بیداری.

I am not sleeping, I am waking,  
Would you know what I am making?  
I am boiling warm beer with butter,  
Will you be my quest for supper?

خواب نیستم و بیدارم  
پای اجاق گرم کارم  
کلوچه با شیر دارم  
دوست داری برات بیارم؟

She is sitting in her room,  
Moaning in her gloom.  
Weeping her little eyes quite red,  
Because old Mr Fox is dead.

با دل زار و خسته کنج اتاق نشسته  
از بس که گریه کرده چشم‌هاش دو کاسه خونه  
آقاروباهه مرده همی می‌گیره بهونه

The cat goes up the stairs trip, trap,  
The door she knocks at tap, tap, tap,  
'Mistress Fox, are you inside?'  
'Oh, yes, my little cat,' she cried.  
'A wooer he stands at the door out there.'  
'What does he look like, my dear?'

گریه رفت بالا زُپ زُپ زُپ  
کوبید به در گُپ گُپ گُپ  
- «خانوم روباهه هنوز بیداری؟»  
- «آره پیشی جون، چه کارم داری؟»  
- «ایه خواستگارت و استاده اونجا بیرون خونه»  
- «خوب عزیزکم، بگو ببینم، بیره، جوونه؟»

Now open the gates and doors all wide,  
And carry old Mr Fox outside.

- «حالا زود بدو درها رو واکن  
نعش اون مرحومم به گوشه جا کن

Good day, Mrs Cat of Kehrewit,  
How comes it that alone you sit?  
What are you making good?

گریه خانوم زیبا  
چی شده نشستی تنها؟  
آش داری یا کلوچه  
بوش پیچیده تو کوجه

In milk I'm breaking bread so sweet,  
Will you be my guest, and eat?

«شیرمال تازه دارم  
بیا تا برات بیارم.»

۱. فاصله میان شعرها را قسمتهای متنور قصه پر می‌کند.

She sits upstairs in her room,  
 Bewailing her sorrowful doom,  
 Bewailing her trouble so sore,  
 For old Mr Fox is no more.

نشسته بالا رو تختش  
 زاری می‌کنه از بختش  
 از غم آقا روباهه  
 خوراکش اشک و آهه.

'If she's in want of a husband now,  
 Then will it please her to step below?'  
 The cat runs quickly up the stair,  
 And lets her tail fly here and there,  
 Until she comes to the parlor door.  
 With her five gold rings at the door she knocks:  
 'Are you within, good Mistress Fox?  
 If you're in want of a husband now,  
 Then will it please you step below?'

«خب آگه شوهر می‌خواد شوهر بهتر می‌خواد  
 بیاد پایین از تختش.» پشت نکنه به بختش  
 گریه خانوم دويد بالا دم شو ماليد به پله‌ها  
 تا پشت در دويد و دويد تق و تق و تق به در کوبيد:  
 «خانوم روباهه اونجا هستی زود درو واکن چه نشستی  
 خواستگار داری این پائینه/خوش داره عروس رو بينه.

Sweep me the room as clean as you can,  
 Up with the window, fling out my old man,  
 For many a fine fat mouse he brought,  
 Yet of his wife he never thought,  
 But ate up everyone he caught.

«گریه جونم فدات بشم قریون دست و پات بشم  
 بدو شیشه‌ها رو دس بکش برده تور رو پس بکش  
 جارو بزنی اتاقو روشن بکن اجاقو  
 رویاه پیره رو کونش کن از خونه بیرونش کن.  
 راستش رو بخوای بلا بود سر تق و بی حیا بود  
 هر چی که موش شکار کرد، تنهایی زهر مار کرد  
 به زنش نمی‌داد یکی اگه مرده! بترکی.

\* \* \*

Shiver and quiver, my little tree,  
 Silver and gold throw over me.

درخت کوچولو، درخت کوچولو / خود تو برام تکون بده  
 می‌دونم داری طلا و نقره / هم از این بده، هم از اون بده.